

به نام خدا



شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی و معنوی و انقلابی و ارزش‌های خودش را در او متبلور و مجسم دید.

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

(۱۳۹۹/۹/۲۶)



یادداشت سردبیر:

آرامش، انتظار محالیست از زمینی که دلش را به زمان دوخته است، و زمان، پر آشوب است تا وقتی امامش غایب است. کاش باشیم و آن روی آرامش زمین را هم ببینیم، روزی که صاحب زمین و زمان "ألا یا اهل العالم" گویان بیاید و حکومت عدل خدا را به پا کند. بیاید و دستی بکشد روی سربلبریز شده‌ی ما و بگوید دلت آرام، از اینجا به بعدش با من.....

تابشی از خورشید

(نگاهی به ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی سپهبد شهید سردار حاج قاسم سلیمانی)

در مورد ویژگی‌های شخصیتی و تربیتی سردار شهید، با توجه به بیانات امام خامنه‌ای مدظله‌العالی میتوان به طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد:

ویژگی اول ایشان «تدبیر» ایشان بود که او را اهل تدبیر، فکر، محاسبه و دقت در اندیشه دانستند. به نوعی همان مهارت‌های اساسی مثل: مهارت برقراری ارتباط موثر، مهارت حل مسأله، تفکر خلاق و تفکر نقاد و.....

ویژگی دوم «عمل» ایشان بود که در مرحله تدبیر متوقف نمی ماندند و اهل اقدام بودند.

ویژگی سوم «شجاعت» بود؛ میان اقدامات انوعی وجود دارد که اقدامات ایشان دارای ویژگی شجاعت بود.

ویژگی چهارم «اخلاص» بود که تدبیر، عمل و شجاعت ایشان تماماً همراه با اخلاص بود.

ویژگی پنجم این بود که تمام این چهار عامل قبلی در حوزه «انقلاب و انقلابی‌گری» خلاصه می‌شد.

با در نظر گرفتن رفتارها و سبک زندگی این شهید بزرگوار می‌توان به این نتیجه تربیتی رسید که ایشان در دامن پدر و مادری پرورش یافته که آنها نیز خود افرادی وارسته و خدا بین بودند و در همه حال رشد و پیشرفت شخصیتی و اعتقادی فرزند خود را نتیجه لطف خدا و تلاش و ممارست این عزیز در تهذیب نفس خود می دانسته‌اند.

زمانی که در دیداری، استاندار سابق کرمان، به پدر سردار شهید می‌گویند:

می‌دانید پسران چقدر مشهور است و استکبار چقدر از او می‌ترسد؟

پدر می‌گوید من از شما متعجبم که چنین حرفی می‌زنید،

استاندار پرسید بود چرا؟

پدر شهید عزیز گفته بود پسر من یک سرباز ولایت است آنها از اسلام می‌ترسند نه از پسر من، حاج قاسم تنها یک نشانه از کشور اسلامی و شیعه است.

وقتی پدری نسبت به رشد اخلاق و انسانیت و نتیجه تربیت اسلامی-انسانی ثمر زندگی اش چنین متواضعانه برخورد می‌کند، در مورد شخصیتی مردی و آخرت گرامانند سردار شهید که لطفی است اگر این ویژگی‌ها را جدا از خانواده و شیوه تربیتی هماهنگ والدین آن عزیز در نظر گرفت.

با توجه به آنچه از زندگی حاج قاسم تاکنون خواند و شنید ایم می‌توان گفت «سبک فرزند پروری» والدین این شهید عزیز از نوع «مقتدرانه» بوده که هر دو گزینه «صمیمیت» و «کنترل» در آن بسیار مشهود می‌باشد، و همچنان که رفتار ایشان با کودکان و نوجوانان و جوانان این مرز و بوم هم دور از این شیوه فرزند پروری نبوده است.

آنجایی که می‌فرمایند «این دختر بد حجاب و بی حجاب این جامعه هم دختر من است»، به تعبیر من، دختر «من» که مسوول این جامعه هستم و بایک نگاه پدرانه می‌توانم او را به رعایت حجاب و قوانین جامعه اسلامی دعوت کنم.

نگارنده: لیلا عیسی



لیلة القدر...

حضرت زهرا (س) به عنوان الگوی ولایت‌مداری و شخصیتی والا در اسلام، همواره الگویی تمام‌عیار برای زنان و مردان مسلمان محسوب می‌شود. در این مقاله کوشش شده است تا بعد اجتماعی و ولایت‌مداری آن حضرت در پنج گام پس از شهادت پدر گرامی ایشان مورد بررسی و معرفی قرار گیرد.

گام اول: سخنرانی پر شور حضرت فاطمه (س) در اجتماع مهاجر و انصار مهم‌ترین و صریح‌ترین موضع‌گیری حضرت فاطمه (س) در دفاع از ولایت و امامت حضرت علی (ع) است، آنگاه که خلیفه اول فدک را از حضرت زهرا (س) بازداشت و ایشان اطلاع یافتند، چادر بر سر کشید و در حال که عده‌ای از زنان بنی‌هاشم او را همراهی می‌نمودند با کمال آرامش چون رسول خدا گام برداشتند و وارد مجلس شدند و خطبه‌ای حماسی در مسجد رسول خدا (ص) و در اجتماع مهاجر و انصار ایراد نمودند. این خطبه که به خطبه فدکیه شهرت یافته است، دارای انبوهی از معارف دینی و اسلامی می‌باشد که می‌توان آن را یک دوره معارف اسلامی دانست. چند نکته در ایراد این خطبه قابل توجه است که بیانگر بینش عمیق سیاسی آن حضرت می‌باشد:

- ایشان مسجد را که مرکز تجمع مسلمانان و مرکز تصمیم‌گیری آنان بود، برگزیدند تا پیام و سخن خویش را به همه برسانند.
- به تنهایی به مسجد نرفتند، بلکه جمعی از زنان را با خود همراه نمودند، تا مقام و جایگاه خویش را نشان داده و نیز اهمیت حادثه‌ی به وجود آمدن را بیان دارند.
- از نظر زمانی وقتی را انتخاب نمودند که مسجد مملو از جمعیت مهاجرین و انصار بود.

نکات مهم سخنان حضرت فاطمه (س):

۱. اهمیت دادن به مسائل فرهنگی و بیان فلسفه احکام
۲. بیان جایگاه امامت و ولایت در اسلام:

- ✓ حضرت امامت و رهبری را در زمره احکام مهم اسلام همانند نماز و روزه و... قرار دادند و بدین طریق اهمیت مسئله‌ی امامت و ولایت را به مردم گوشزد نمود.
- ✓ حضرت، تصریح به انتصاب امام از جانب خداوند نموده مقام امام را همانند پیامبر انتصابی دانستند.
- ✓ ایشان بیان فرمودند امامت پس از رسول خدا (ص) حق اهل بیت بوده و این حق به خاطر شایستگی و دانش و تقوای آنها و آگاهی آنان به دین و شریعت به آنها داده شده است.
- ✓ امامت و رهبری اهل بیت را که در رأس آنان امام علی (ع) قرار داشت، موجب این ماندن جامعه از تشتت و پراکندگی ذکر نموده و با تحلیل عمیق و شفاف از اوضاع اجتماعی سیاسی جامعه‌ی اسلامی پس از رسول خدا (ص)، ریشه‌ی همه‌ی گرفتاری‌ها را دوری از اهل بیت و عدم پذیرش رهبری آنان دانستند.

۳. ذکر سوابق دینی و مبارزاتی امام علی (ع)

۴. پرده برداری حضرت زهرا از اسرار سقیفه

گام دوم: اقدامات حضرت زهرا (س) برای جامه عمل پوشاندن به سخنان خویش بود، ایشان در ادامه مسیر خویش برای اتمام حجت تصمیم گرفتند به خانه‌های انصار رفته برای امام بیعت بگیرند حضرت علی (ع) شب‌ها زهرا (س) را بر چهارپایی سواری کردند و به در خانه‌هایی انصاری بردند و از آنان یاری می‌طلبد، آنان در جواب می‌گفتند: ای دختر رسول خدا (ص) کار از کار گذشته است، و ما با ابوبکر بیعت نموده‌ایم، اگر همسر و پسر عمومی تو پیش از این مرد، نزد ما می‌آمد و از ما بیعت می‌خواست، ما کسی غیر او را انتخاب نمی‌کردیم. علی (ع) در جواب آنان می‌فرمود: آیا من جنازه رسول خدا (ص) را در خانه‌اش روی زمین می‌گذاشتم و دفن نکرده به دنبال حکومت به نزاع و دعوا بر می‌خاستم؟! صدیقه طاهره (س) در تأیید امام (ع) می‌فرمود: ابوالحسن کاری غیر از آنچه سزاوار و مناسب او بود انجام نداد، آنان نیز کاری کردند که حسابشان با خداست و خداوند از آنان بازخواست خواهد نمود. حضرت زهرا (س) بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری و چشم‌پوشی آنان را نسبت به یاری رساندن به اهل بیت اینگونه سرزنش نمود: آگاه باشید شما را می‌بینم که به رفاه طلبی و زندگی راحت رو آورده‌اید و کسی را که پیش از همه شایستگی رهبری بر شما را داشت کنار نهاده‌اید به آسایش رو آورده‌اید از فقرهایی جسته‌اید آنچه را فرا گرفته بودید کنار گذاشته، آنچه برای تان گوار بود از گلو بیرون انداختید.

قابل تأمل است که چه چیز پس از درگذشت رسول خدا (ص) در جامعه اسلامی به وجود آمد و آن را مخالف قرآن دانسته مردم را به بازگشت به اسلام اصیل و سنت ناب نبوی فراخواند.

گام سوم مبارزه منفی: هر دفاعی که حضرت زهرا از امیر المومنین انجام دادند با اقدامی تحریمی برای مخالفان اهل بیت همراه بوده است که نمود آن در بیانات مختلف حضرت به خصوص در وصیت‌نامه ایشان نمایان است. محروم کردن غاصبان از شرکت در تشییع جنازه و منعی بودن قبر حضرت زهرا در واقع مبارزه پنهان علیه مخالفت‌هایی بود که در آن

بین الطلوعین...

زمان با خلافت حضرت امیر مومنان انجام شد تا همه مسلمانان در تمام دوران تاریخ بدانند که ایشان باغاصبان ولایت مخالفند.

گام چهارم عاطفه: عاطفه باید به کمک عقلانیت بیاید، حضرت زهرا (س) بارها به قبرستان بقیع و سر مزار مطهر رسول خدا (ص) می رفتند و ضمن گریه و عزاداری، بیان مصیبت اصلی که دوری از ولایت علی (ع) بود را با عناوین مختلف مطرح می فرمودند. روزی امیرالمومنین (ع) شروع به گریه کردند و فرمود به خاطر اینکه دارم تورا از دست می دهم می گریم، اما زهرا جان! تو چرا گریه می کنی؟ حضرت (س) فرمودند: من برای غربت و مظلومیت شما گریه می کنم.

گام پنجم: اثبات ادعای ولایتمداری به گرانترین بها. سخن گفتن، حرکت کردن، گریه کردن و تحریم، هزینه ای هم می خواهد، حضرت زهرا (س) با نحوه شهادتشان از سقط فرزند گرفته تا مجروحیت و مضروب شدن و در نهایت شهادت، خود را هزینه کرد تا دنیا بداند که باید در راه ولایت هزینه کرد، همان کاری که حضرت ابوالفضل (ع) در روز عاشورا در قبال امام حسین (ع) انجام داد.

نگارنده: سمانه علیزاده

کلاه پهلوی

(به بهانه هفده دی ماه سالروز فرمان کشف حجاب توسط رضاخان)

سراسر تاریخ خواندنیست و تمام بخش های تلخ و شیرین آن عبرت آموز و شنیدنی. روایت روزهایی که غیرت مردان و عفت زنان ایرانی مقابل قلدری عملی استعمار قد علم کرد و اسیر تجدد خواهی ظاهری و خود باختگی فرهنگی حکومت پهلوی نشد هم، از تامل برانگیزترین وقایع تاریخ نیست. آن روزها که تمام آرزوی حکومت وابسته ای ایران، تغییر پوشش و لباس ملت بود تا عقب ماندگی کشور که حاصل سوء مدیریت و ناتوانی سردمداران آن بود را پشت شباهت ظاهری و تقلیدی پوچ از مردمان غرب پنهان سازد. رضاخان سالها قبل از فرمان رسمی کشف حجاب تلاش های خود را در راستای تضعیف فرهنگ و تعصبات ملی مردم آغاز کرده بود به عنوان مثال وی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی استفاده از لباس های محلی و سنتی را ممنوع نمود و پوشیدن لباس های مدل غربی و استفاده از کلاه پهلوی را برای مردان بزرگسال به جز روحانیون اجباری کرد؛ در همان سالها اقداماتی چون تاسیس مدارس مختلط تا سال چهارم ابتدایی و گسترش پیشاهنگی دختران در مدارس دخترانه و برگزاری مجالس سخنرانی و سرود خوانی با حضور نمایندگان مجلس و مقامات عالی رتبه دولتی و بانوان شان در دبیرستان دخترانه رواج یافت تا حضور و فعالیت اجتماعی زنان را به عنوان بهانه ای برای موضوع کشف حجاب مطرح نمایند و در نهایت در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ به فرمان رضاخان حجاب ممنوع اعلام شد، کسبه از فروش اجناس به زنان با حجاب منع شدند و زنان با حجاب حق ورود به خیابان و اماکن عمومی و سوار شدن به وسایل نقلیه را نداشتند. اینکه ملت چه کردند و سرنوشت قانون رضاخان چه شد را همگان می دانند لذا بهتر است سوالی اساسی مطرح کنیم که چطور ممکن است پیشرفت یک مملکت را با تغییر ظاهری پوشش یک ملت رقم زد؟ کدام تفکر جزیک ذهن خود باخته و عقب مانده میتواند چنین مسئله ای را بپذیرد؟! اصلا مگر لازمه ای حضور یک زن در فعالیت اجتماعی بی حجابی است؟ که اگر چنین است امروز زنان با حجاب ایرانی در عرصه های علمی و ورزشی و اجتماعی چطور توانسته اند ارزش و توانمندی خود را به رخ دنیا بکشانند؟

حقیقت اینجاست که بی حجابی تن و رواج آن به اسم آزادی، دایمی است که فقط موجب مشغولی ذهن و به حاشیه کشاندن قدرت تفکر زن خواهد شد و هیچگونه تعالی برای او به دنبال ندارد. نگاه اسلام به زن به عنوان یک موجود توانمند، کامل و ارزشمند، او را تعاریف سطحی فرهنگ غرب بی نیازی کند. به عنوان حسن ختام این کلام، دو سخن از امام خمینی (ره) در وصف ارزش و جایگاه زن بیان شده که می توانند نشان دهند نگاه اسلام به این مقوله باشد:

زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسانها پیدای میشوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند، و با تربیت صحیح خودش کشور را آبادی کند. مبدأ همه سعادتها از دامن زن بلند می شود..

(صحیفه امام، جلد ۷، ص ۳۳۹)

زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن و مرد به معراج می رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. (صحیفه امام، جلد ۷، ص ۳۴۱).

نگارنده: سوده خراسانی

بین الطلوعین...

امیر شهید

امیر کبیر صدراعظم با تجربه، کاردان و قدرتمند ایران در دوره ناصرالدین شاه، قهرمان مبارزه با استعمار، استبداد و نیز اصلاح‌گر امور سیاسی، دینی و فرهنگی بود. تاریخ ایران، میرزا تقی خان امیر کبیر را قهرمان ملی و رادمردی اصلاح‌گرمی داند که عاشق پیشرفت و تعالی ایران بود و جان بر سر دفاع از آزادی و استقلال کشور گذاشت. وی با ورود به دربار قاجار، به امور مهمی چون تثبیت قدرت مرکزی از طریق برخورد با عوامل تهدیدکننده داخلی و خارجی پرداخت. مهم‌ترین اقدام وی در زمینه داخلی، علاوه بر برخورد با شورش‌های داخلی، سرکوب شورش بابیه بود که با اقدامات مقتدرانه و البته روش‌های متفاوت امیر صورت گرفت.

میرزا علی محمد شیرازی، فرقه ضاله بابت یا بابی‌گری را تأسیس کرد. وی پس از ۵ سال تحصیل نزد شیخ محمد عابد، راهی سفر زیارت خانه خدا و مزار شریف امام حسین (ع) شد و در درس سید کاظم رشتی در کربلا شرکت کرد. وی با موقعیت ویژه نزد استادش و فراگیری برخی مسائل عرفانی و تأویلی و آشنایی با روش احساسی، به اعتقادات انحرافی مانند خدا خواندن اهل بیت (ع) و بابت و واسطه فیض الهی دانستن دیگران دست یافت و به ترویج آن‌ها پرداخت. او در سال ۱۲۵۷ قمری به شیراز برگشت و کتاب‌های مختلف از جمله کتاب سنابرق سید جعفر علوی و کتاب‌های طلسمات و اوراد را مطالعه کرد و ریاضت‌های غیر شرعی صوفیان جاهل همچون، سر برهنه ایستادن زیر حرارت آفتاب جهت تسخیر شمس را انجام داد و به رطوبت دماغیه و تعادل روحی خود آسیب وارد ساخت. وی پس از مرگ سید کاظم رشتی در سن ۲۵ سالگی، ادعای جانشینی و سپس بابت، مهدویت و نبوت الوهیت کرد. او می‌گفت من باب زمان هستم و مردم برای پی بردن به اسرار و حقایق بزرگ و مقدس ازلی و ابدی باید به ناچار از این باب بگذرند و به حقیقت برسند، پس باید به من ایمان بیاورند تا به آن اسرار دست یابند.

اعتراض علما و فقه‌های شهرهای گوناگون و ناتوانی او در مناظره‌ها و کشف بی‌سوادی وی در تلفظ و اعراب‌گذاری جملات عربی، سبب شد چندین بار مورد تنبیه و تبعید قرار گیرد. اما از کارهای خود توبه نکرد و به پشتوانه حمایت‌های دولت بریتانیا و روسیه دست به شورش زد. همچنین مریدانش با مرگ محمد شاه در سال ۱۲۶۴ قمری به عنوان یاوران مهدی موعود، به غارت و کشتار مردم پرداختند.

متأسفانه از یک طرف به تنگ آمدن مردم از فساد و ظلم قاجاریه و از طرف دیگر موضع ضد دولتی و حکومتی علی محمد شیرازی باعث افزایش شورش‌ها و گرایش‌های مردم به این فرقه ضاله شد. همچنین مریدان این فرقه، علی محمد باب را مبشر و مبلغ امام زمان (عج) می‌شمردند و مردم خیالی می‌کردند که اعتقاد و ملتزم به رکاب علی محمد بودن یعنی التزام به ولایت حضرت صاحب الزمان (عج) و تلاش و جنگ و قتال برای شکوفایی و پیروزی علی محمد یعنی رضایت خداوند و خاتمه الاوصیاء.

میرزا تقی خان امیر کبیر بعد از این قضایا با فصاحت و هوشیاری خود، هم از جهت بدعت در دین و هم از پیوند بهائیان با دولت بریتانیا، آنها را خطرناک تشخیص داده و دریافت بود که تا باب زند است، اصحاب و مریدان او آرام و آسوده نخواهند نشست. پس به شاه پیشنهاد کرد که فتوای علمای دربار مرتد بودن باب و اعدام او به مورد اجراء آورد. با این تصمیم، علی محمد شیرازی را به همراه چند تن از مریدانش به تبریز آوردند و پس از چند محاکمه و مناظره مجدد و نصیحت به توبه و بازگشت و امتناع او از توبه، در تاریخ ۲۷ یا ۲۸ شعبان سال ۱۲۶۶ در میدان تبریز تیرباران کردند.

با توجه به شورش‌ها و انقلابات خونین پیروان باب در ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه در کشور، بیان شد که اگر عرضه، کفایت، درایت، لیاقت و مدیریت امیر کبیر در کار نبود، غائله و دامنه شورش‌ها به این زودی‌ها خاموش نمی‌شد و در این صورت حتمی بود که وضع ملت ایران دگرگون می‌گردید. ولی با اعدام باب، امیر کبیر بساط باب را در ایران و از گون ساخت و نگذاشت که ریشه فساد، بیش از این در این سرزمین جای گیرد. ۱

گردآورنده: فائزه کیوانی پور

بین الطلوعین...

حتی مطلع الفجر...

(به مناسبت ۹ دی روز بصیرت)

جابر جعفی می گوید به امام باقر (ع) عرضه داشتیم فرج شما کی خواهد بود؟ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُعْرَبَلُوا ثُمَّ تُعْرَبَلُوا ثُمَّ تُعْرَبَلُوا. حضرت فرمودند: هیهات هیهات، هرگز این فرج رخ نخواهد داد؛ مگر اینکه غربال بشوید، سپس غربال بشوید، سپس غربال بشوید.

در روایات دیگر نیز صریحاً بیان شده که منافقین بین مؤمنان باید پاکسازی شوند و بیرون بروند مادر معرض غربال های مختلف هستیم، این غربال ها هم رویش هایی دارند و هم ریزش هایی و موضوع غربال در آخر الزمان بسیار جدیست. یکی از فلسفه های فتنه ها و آزمون های الهی جداسازی افراد و گروه ها از یکدیگر است تا جایی که آنچه پیش روی افراد قرار می گیرد دو گروه حق و باطل است.

کلمه فتنه به معنای گداختن طلا برای جدا کردن ناخالصی های آن است. پس فتنه چیز بدی نیست حتی اگر در مورد انسان و جوامع انسانی باشد، عبور از آن دشوار است اما نتیجه خوبی در پی خواهد داشت. امام صادق علیه السلام فرمودند آرزوی فتنه ها را داشته باشید. منافقان و آن عد که به نام اسلام و بر خلاف آن عمل می کنند، باید رازشان برملا شود. در فتنه هاست که مؤمنان واقعی شناخته می شوند و استعداد های درونی آنها شکوفا شده و به فعلیت می رسد. ممکن است این سوال مطرح شود که چه نیازی به آشکار شدن چهره واقعی افراد در این دنیاست مگر خدا نمی داند که در ذات مردم چه می گذرد در پاسخ می توان از این آیه یاد کرد که می فرماید: "إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُرِثُهَا الْعَالَمُونَ" (حکومت زمین سرانجام به دست بندگان صالح ما خواهد افتاد) این یک وعده الهیست. وقتی می توان ادعا کرد که حکومت زمین بدست صالحان رسیده است که گروه صالح از ناصالحان جدا و قابل تشخیص باشد و همه انسانها آشکارا بین دوراه حق و باطل راهی برگزیده باشند.

بنابه احادیث و روایات ده گروه از مردم در غربال های آخر الزمان ریزش می کنند:

۱- مدعیان دروغین: آنان که به هر عنوان ادعای دروغین داشته اند از دروغ بستن به ائمه تا ادعای دروغین رویت و نیابت امام زمان تا مدعیان دروغین برپایی عدل.

۲- اسیران زر: آنان که رسیدن به مال دنیا را هدف زندگی خود قرار داده اند.

۳- اسیران زور: دلبستگان به مقامات دنیوی

۴- اسیران تزویر: بی بصیرتانی که در حوادث و فتنه ها فریب می خورند و راه گم می کنند. بصیرت بنا به فرمایش مقام معظم رهبری در دو سطح تعریف می شود: سطح زیرین آن داشتن نگاه توحیدی است که موجب داشتن هدف الهی و تلاش خستگی ناپذیر در راه آن گشته و در حقیقت زمینه همه تلاش ها و مبارزات انسانی در جامعه خواهد بود. و سطح دیگر آن در حوادث زندگی خودنمایی خواهد کرد، به این شکل که برای اینکه انسان در حوادث زندگی دچار بی بصیرتی نشود، باید پیرامون آنها تدبر کند و از آنها به شکل سطحی و عامیانه عبور نکند و با این سنجش بصیرت پیدا کند.

۵- منافقان: پیامبری فرماید «رُبُّعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَتْ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصَلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَّعِيَهَا: إِذَا أُوْتِمِنَ خَانَ، وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ،» یعنی: هر کس که این چهار خصلت در او دیده شود، منافق خالص است. و هر کس، در او یکی از آنها دیده شود، یک خصلت از نفاق دارد مگر زمانی که آن را ترک کند. آن چهار خصلت عبارتند از: هرگاه، امانتی به او سپرده شود، خیانت می کند. هنگام صحبت کردن، دروغ می گوید. اگر عهد و پیمانی ببندد، پیمانش را می شکند. هنگام دعوا، دشنام می دهد و ناسزای گوید.

۶- گناه پیشگان: آنان که اهل گناهند و بی پروا دین گریزی می کنند.

۷- ولایت گریزان: گروهی از مردم که یا به دلیل تکبر ولی را نمی پذیرند و یا بی بصیرتند و فریب خورده. ولایت امری ذی مراتب هست، ولایت حقیقی متعلق به خداست و بنا به امر او انسان باید ولایت ائمه و پیامبران را بپذیرد و این سلسله مراتب ادامه دارد تا ولایت فقیه و ولایت پدر و مادر بر فرزند. عدم ولایت پذیری بود که از شیطان با هزاران سال سبوح و عبادت موجودی راندن شدن از درگاه الهی ساخت.

۸- اولویت شناسان: کسانی که در فتنه ها و حوادث بین دو عمل که ممکن است در شرایط عادی هر دو خیر باشند، آنچه اولویت دارد را تشخیص نمی دهند و با انتخابی اشتباه اسیر راه باطل می شوند.

۹- دین شعاران: آنان که از دین فقط در ظاهر آن مانده و به حقیقت آن دست نیافته اند.

۱۰- علمای فاسد: علمایی که در لباس دین، اسیر مال اندوزی یا حب مقام شدن اند نیز، از سقوط کنندگان غربال های آخر الزمان هستند.

نگارنده: نفیسه پورباقر